



# آسیب‌شناسی عزاداری حسینی

**گفت‌وگو با آیت‌الله سیداحمد خاتمی**

عزاداری و برپایی مراسم ماتم در سوگ حضرات معصومین <sup>علیهم‌السلام</sup> و اولیای خدا امری است که ریشه در قرآن و سیره نبوی <sup>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</sup> و سیره امامان <sup>علیهم‌السلام</sup> دارد. این عزاداری‌ها مصداق مودت اهل بیت <sup>علیهم‌السلام</sup> تعظیم شعائر الهی و مصداق فریاد مظلوم علیه ظالم است. با توجه به جایگاه رفیع عزاداری و گوهر ارزشمندی که در آن نهفته است بدیهی است که دشمنان تلاش گسترده‌ای در جهت تخریب و تحریف آن داشته باشند تا تأثیرآفرینی آن را کم‌رنگ کنند. هفته‌نامه افق حوزه در دومین نشست علمی با عنوان «مهمان ماه» گفت‌وویی با آیت‌الله سیداحمد خاتمی عضو فقهای شورای نگهبان، عضو شورای‌عالی حوزه‌های علمیه و استاد خارج حوزه علمیه قم با موضوع «آسیب‌شناسی عزاداری حسینی» انجام داده است که در ادامه می‌خوانید.

■ **در ابتدا قدری درباره ماهیت عزاداری از نگاه اسلام و نیز اهمیت آن در شکل‌دهی به زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان صحبتی داشته باشید.**

• عزاداری یعنی در سوگ انسان بزرگوارى به ماتم بنشینیم و از عزیز از دست‌رفته بگویم. عزداری هنجارى طبیعى در زندگى اجتماعى جامعه است. وقتى خانواده‌ای عزیزی را از دست داد، مجلسى تشکیل می‌شود و با صاحبان عزّا تشریک مساعى می‌شود. همچنین در روایات ما از عرض تسلیت به صاحب عزّا تجلیل شده است.اما آنچه که به‌طور خاص مورد نظر بحث است، عزاداری سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین <sup>علیه‌السلام</sup> است. برگزاری مراسم عزاداری اباعبدالله الحسین <sup>علیه‌السلام</sup> و تشویق مردم به برگزاری آن، یک هنجار الهی است. خداوند متعال دستور به عزاداری برای سالار شهیدان <sup>علیه‌السلام</sup> راحتی قبل از تولد سیدالشهدا <sup>علیه‌السلام</sup> در عالم هستی تعبیه فرموده است. حضرت اسماعیل <sup>علیه‌السلام</sup> از پیامبران الهی است که در قرآن از ایشان نام برده و فرموده است: «وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا» (مریم/۵۲). طبق روایتی که در ذیل این آیه در تفسیر برهان آمده، این اسماعیل، اسماعیل فرزند حضرت ابراهیم <sup>علیه‌السلام</sup> نبوده است؛ بلکه پیامبر دیگری بوده است که دشمنان او را دستگیر کردند.

متن روایت:

الصادق <sup>علیه‌السلام</sup>: إِنَّ إِسْمَاعِيلَ <sup>علیه‌السلام</sup> الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي كِتَابِهِ وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا لَمْ يَكُنْ إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِزْرَاهِيمَ <sup>علیه‌السلام</sup> بَلْ كَانَ نَبِيًّا مِنْ الْأَنْبِيَاءِ بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى قَوْمِهِ فَأَخَذَهُ فُسَلْخُوا قُرْوَةً وَآسَبَهُ وَجْهَهُ فَاتَّاهَ مَلَكٌ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَعْثُرُنِي إِلَيْكَ فَمُرْنِي بِمَا شِئْتَ فَقَالَ: لِي أَسْؤُهُ بِمَا يُضَيِّعُ بِالْحُسَيْنِ <sup>علیه‌السلام</sup>!

امام صادق <sup>علیه‌السلام</sup>: آن اسماعیلی که خدای سبحان درباره‌اش فرموده: «وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا» این اسماعیل بن ابراهیم <sup>علیه‌السلام</sup> نبود؛ بلکه یکی از پیامبران بود که خدا او را بر قوم خود مبعوث نمود. آن قوم وی را گرفتند و پوست سروصورت آن حضرت را کُشدند!! آنگاه مَلْکی نزد آن بزرگوار آمد و گفت: «هر دستوری داری به من بده تا از ایشان انتقام بگیریم». فرمود: «من هم به مظلومیتِ امام حسین <sup>علیه‌السلام</sup> اقتدا می‌نمایم. کدام حسین؟ حسینی که هنوز پدر ایشان یعنی امیرالمؤمنین <sup>علیه‌السلام</sup> متولد نشده است. هنوز پیامبر خاتم <sup>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</sup> به دنیا نیامده‌اند. بنابراین داستان عزاداری بر سیدالشهدا <sup>علیه‌السلام</sup> یک نسخه ویژه است.

مرحوم علامه امینی<sup>رحمته‌الله</sup> در کتاب «سیرتنا و سنتنا سیرهٔ نبینا و سنته»، روایتی را ذکر می‌کند که پیامبر اکرم <sup>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</sup> در روز اول تولد حضرت سیدالشهدا <sup>علیه‌السلام</sup> بر ایشان گریه کردند و مرحوم علامه امینی <sup>رحمته‌الله</sup> این کتاب را نوشته‌اند تا اثبات کنند، آنچه ما در عرصه عزاداری سیدالشهدا <sup>علیه‌السلام</sup> داریم، همان است که پیامبر اکرم <sup>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</sup> داشته‌اند؛ بنابراین اگر بخواهیم تاریخ عزاداری بر سالار شهیدان <sup>علیه‌السلام</sup> را پیگیری کنیم، نباید از شهادت حضرت شروع کنیم؛ بلکه باید از ولادت ایشان و حتی قبل از ولادت ایشان بگوئیم.

از جمله اصولی که اهل‌بیت <sup>علیهم‌السلام</sup> در سیره سیاسی هیچ‌گاه از آن عقب‌نشینی نداشتند، احیای نهضت عاشوراست. این نهضت پرچم فداکاری در راه دین و پرچم عزّت و ذلّت‌ناپذیری و پرچم مقاومت است. بعد از شهادت حضرت سیدالشهدا <sup>علیه‌السلام</sup> اهل‌بیت <sup>علیهم‌السلام</sup> برای در اهتزاز بودن این پرچم، برنامه‌هایی را تدارک می‌دیدند. اول اینکه فرموده‌اند: به زیارت سیدالشهدا <sup>علیه‌السلام</sup> بروید. این زیارت ثواب حج و عمره را دارد. در برخی روایات چندین حج و چندین عمره برای ثواب زیارت آن‌حضرت ذکر شده است: عن أبي عبدالله <sup>علیه‌السلام</sup>: «زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ <sup>علیه‌السلام</sup> تَعْدِلُ عَشْرِينَ حَجَّةً وَ أَفْضَلُ مِنْ عَشْرِينَ عُمْرَةً وَ حَجَّةً» (الکافی، ج۴، ص۵۸۰) البته در کتاب کامل الزّیارات این قولویه در این باره روایات فراوانی ذکر شده است.

دوم اینکه اهل‌بیت <sup>علیهم‌السلام</sup> فرمودند: «...مَنْ يَكِي وَ أَبْكَى وَاجِدًا فَهُوَ الْحَجَّةُ، وَمَنْ تَبَاكَى فَلَهُ الْحَجَّةُ» (بحارالادوار، ج۴۴، ص۲۸۸) هرکس بگرید و (حتی) یک نفر را بگریاند، پاداشش بهشت است و هر کس حالت اندوه و گریه به خود بگیرد،

پاداش او( نیز) بهشت است. این روایات نیز در کامل‌الزیارات وارد شده است. سوم اینکه اهل‌بیت <sup>علیهم‌السلام</sup> فرمودند: برای سیدالشهدا <sup>علیه‌السلام</sup> مجلس عزاداری برگزار کنید. از باب نمونه در قرب‌الإنساد آمده است: عن الإمام الصادق <sup>علیه‌السلام</sup> . لِفَضِيلٍ -: «تَجْلِسُونَ وَ تُحْذِرُونَ؟ قَالَ: نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ. قَالَ: إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا، فَأَخْبِرُوا أَهْلَنَا بِأَفْضَلِ! فَرَجَحَ اللَّهُ مَنْ أَحْبَا أَهْلَنَا. بِأَفْضَلِ! مَنْ ذَكَرَنَا أَوْ ذَكَرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْبِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الذَّيْبَابِ غَفَرَاللهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَ لَوْ كَانَ أَكْثَرَ مِنْ زَيْدِ الْبَحْرِ» (قرب‌الإنساد، ج۳/۱۱۷) امام صادق <sup>علیه‌السلام</sup> – به فضیل- فرمود: آیا با هم می‌نشینید و گفت‌وگو می‌کنید؟ عرض کرد: آری! فدایت شوم. فرمود: من این مجالس را دوست دارم. ای فضیل! راه ما را زنده نگه دارید. رحمت خدا بر آنکه امر ما را زنده بدارد. ای فضیل! هر کس ذکر ما بگوید یا در حضور او ذکر ما شود و از چشمش پنداره‌ه پر مگسی اشک درآید، خداوند گناهان او را می‌بخشد؛ اگرچه فروتن‌تر از کف دریا باشد.

چهارم: سرودن شعر برای سیدالشهد <sup>علیه‌السلام</sup> است که فرموده‌اند: «مَنْ أَشَدَّ فِي الْحُسَيْنِ <sup>علیه‌السلام</sup> نَبِيًّا! مِنْ شِعْرِ فَيْكِي وَ أَبْكَى عَشْرَةَ قَلَّةً وَ لَهُمُ الْجَنَّةُ» (تواب‌الأعمال، ۳/۱۱۰)

امام صادق <sup>علیه‌السلام</sup>: هر کس درباره حسین <sup>علیه‌السلام</sup> بیتی شعر بسراید و خود بگرید و ده نفر را بگریاند، برای او آن ده نفر بهشت باشد و در روایت دیگری از آن حضرت آمده است:

«مَنْ قَالَ فِينَا بَيْتَ شِعْرِ بَنِي اللَّهِ تَعَالَى لَهُ نَبِيًّا فِي الْحَجَّةِ»؛ (عیون‌أخبارالرضا<sup>علیهم‌السلام</sup>، ج۱، ص۷، ح ۱) هر کس درباره ما یک بیت شعر بگوید، خدای تعالی در بهشت، یک خانه برایش بنامی‌کند.

شعر جلوه‌ای از هنر است و اگر آرمانی با شعر گره بخورد، ماندگار خواهد شد.

پنجم اینکه فرمودند: بر تربت سیدالشهدا <sup>علیه‌السلام</sup> سجده کنید.

تربت پاک تو کازادگی آموزد و عشق

سرمه دیده صاحب‌نظران است هنوز
این موارد برخی از راه‌هایی است که اهل‌بیت <sup>علیهم‌السلام</sup> برای احیای نهضت عاشورا داشته‌اند. مجالس عزاداری نقش بسیار مهم و ستودنی در احیای نهضت عاشورا داشته‌اند. امام راحل <sup>علیه‌السلام</sup> نیز تأکید فراوانی بر احیای محرم و صفر داشتند و سفارش فرموده‌اند: «باید ما محرم و صفر را زنده نگه داریم به ذکر مصائب اهل‌بیت <sup>علیهم‌السلام</sup> ... محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است. فداکاری سیدالشهدا <sup>علیه‌السلام</sup> است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است.» (صحیفه امام، ج۱۵، ص۳۳۰)

من در اینجا به‌متناسبیت به دو نمونه از سیاست‌های دین‌ستیزانه توجه می‌دهم

**نمونه اول: رضاخان وطرح دین‌زادیی او**

نمونه اول رضاخان است که در طول حکومت بیست‌ساله خود، در سال ۱۳۱۲ تنها یک سفر خارجی داشته که حدود ده روز به ترکیه سفر کرد. انگلیسی‌ها در ترکیه شیوه‌های دین‌ستیزی را به رضاخان آموختند و سه برنامه به او داده و او را روانه ایران کردند. باید دانست که در عرصه دیپلماسی، سفر ده روزه غیرمتعارف است و این‌گونه سفرها تنها دو یا سه روز به‌طول می‌انجامد. برنامه اولی که به او دادند، مسئله ترویج بی‌حجابی در کشور بود. بحمدالله کتب خوبی در این زمینه به‌نگارش درآمده است. رضاخان ابتدا از فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی آغاز کرد و به مطبوعات دستور داد، از بی‌حجابی و فواید آن بنویسید. آموزش و پرورش را نیز میدان‌دار این عرصه قرار داد و در سال ۱۳۱۴ رو به اجبار آورد که حادثه جان‌گداز مسجد گوه‌رشاد در این سال به‌وجود آمد و رضاخان می‌خواست، از کسانی که با برنامه بی‌حجابی او مقابله می‌کنند، زهرچشم بگیرد؛ بنابراین درب های مسجد گوه‌رشاد را بروی متحصنان بستند و از کشته پشته ساختند. مسجد گوه‌رشاد حدود هفت شبستان دارد که متحصنان از این شبستان به آن شبستان فرار می‌کردند و جلاله‌ای رضاخان بی‌رحمانه آنها را کشتار



می‌کردند؛ چراکه گسترش بی‌حجابی برای آنها حیاتی بود. گویا انگلیسی‌ها به این نکته رسیده بودند که ایران را بدون بی‌حجابی نمی‌توان استحاله کرد. برنامه دوم انگلیسی‌ها برای رضاخان مبارزه با روحانیت بود. رضاخان در سال ۱۳۱۶ تمام مدارس علمیه را تعطیل کرد و تنها حوزه علمیه قم باقی ماند که با فشارهای بسیار زیاد و تدبیر مرحوم آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری <sup>رحمته‌الله</sup> مؤسس حوزه به فعالیتش ادامه داد. این حوزه در سال ۱۳۰۱ تأسیس شده بود. رضاخان تمام حوزه‌های علمیه را تبدیل به مدرسه دخترانه کرد و این عمل او دهن‌کجی مجدد به روحانیت بود. یعنی مدرسه‌ای که از صبح تا شب، طالب در آنها قال‌الله تعالی، قال رسول‌الله <sup>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</sup> و قال امیرالمؤمنین <sup>علیه‌السلام</sup> می‌گفتند و احکام خداوند را تبیین می‌کردند، تبدیل به مکانی شد که دختران بی‌حجاب به‌جای آنها بنشینند. این برنامه دوم رضاخان و به‌تعبیر مرحوم امام <sup>علیه‌السلام</sup>، رضاخان قلدر بود. در این دوران بزرگ مردی که در برابر رضاخان ایستادگی کرد، مرحوم شهید آیت‌الله مدرس بود. زمانی رضاخان به شهید مدرس <sup>رحمته‌الله</sup> پیام داد، از جان من چه می‌خواهی؟ ایشان پاسخ داد: می‌خواهم که تو نباشی. این شجاعت و این‌طور حرف زدن در برابر رضاخان، نیاز به شجاعت بسیار زیاد داشت و رمز و راز تجلیل فوق‌العاده امام <sup>علیه‌السلام</sup> از شهید مدرس، همین شجاعت ایشان بود.

سومین برنامه انگلیسی‌ها برای رضاخان مخالفت با عزاداری بود. عزاداری ممنوع شد. عزاداران را به شهرپایی می‌بردند و از آنها تعهد می‌گرفتند که دیگر در مراسم عزاداری شرکت نکنند. آیت‌الله‌العظمی صافی <sup>علیه‌السلام</sup> به بنده گفتند: عاشورایی بر این کشور گذشت که هیچ‌کس جرأت نکرد، در یک میدان بزرگ فریاد یا حسین <sup>علیه‌السلام</sup> سر بدهد. مقابله با عزاداری نقشه انگلیسی‌ها بود که رضاخان اجراکرد و دلیل آن هم، روشن است. آنچه انگلیسی‌ها می‌خواستند، دین‌زدایی بود و با ممنوع کردن عزاداری‌ها در حقیقت پرچم دین را پایین کشیدند. بنابراین عزاداری‌ها و مجالس عزاداری، نقش بسیار مؤثری در بقای دین داشته، دارد و خواهد داشت.

**نمونه دوم: نقش و جایگاه شور حسینی در پیروزی انقلاب اسلامی**
نمونه دوم، انقلاب بزرگ اسلامی ماست که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید که دو تولد داشت. تولد اولش ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ بوده است که دوازدهم محرم بوده است. این شور حسینی بود که مردم را به میدان آورد تا از فرزند امام حسین <sup>علیه‌السلام</sup> یعنی حضرت امام خمینی <sup>علیه‌السلام</sup> که دستگیر شده بود، دفاع کنند. این اولین تولد انقلاب اسلامی ایران است که از محرم جان گرفته است.

تولد دوم انقلاب اسلاهی، ۱۹ دی‌ماه سال ۱۳۴۶ بود که تا پیروزی انقلاب ادامه پیدا کرد. بنابراین شور و هیجانی که امام آفرید، در مرحله اول به‌پرکت عاشورا بود. امام از عاشورا به‌عنوان یک سرمایه برای انقلاب اسلامی بهره بردند. یادمان نمی‌رود، در عاشورایی که پس از آن، انقلاب به پیروزی رسید، مرحوم امام این جمله را فرمودند: «محرم ماه پیروزی خون بر شمشیر است»۲۱. بنابراین عزاداری بر سیدالشهدا <sup>علیه‌السلام</sup> سرمایه‌ای نفیس برای اصل انقلاب و تداوم آن است. در این عرصه، هیئات عزاداری چه در خرداد ۱۳۲۲ و چه در محرم پیروزی انقلاب اسلامی، نقش بسیار ستودنی داشتند. لیب‌رال‌ها این نهضت را یک نهضت کور می‌خواندند؛ چراکه آنها معتقد بودند، مبارزه پارلمان‌تاریستی جواب می‌دهد و به‌نقل از هم‌بندی‌های آنها گفته‌اند: مگر با شعار مرگ بر شاه، می‌توان شاه را سرنگون کرد؟ حتی در پاریس هم می‌گفتند: شاه باشد و سلطنت کند و حکومت نکند. اما امام <sup>علیه‌السلام</sup> به آنها فرمودند: شما هم بروید به ایران و همراه با مردم شعار بدهید: مرگ بر شاه! در هر حال عزاداری سیدالشهدا <sup>علیه‌السلام</sup> و هیئات عزاداری، نقش ارزنده‌ای در پیروزی انقلاب ایفا کردند.

■ **آسیب‌شناسی عزاداری دقیقاً به چه موضوعی اشاره دارد؟ در این باره مختصری توضیح بفرمایید.**

منظور از آسیب‌شناسی عزاداری این است که به‌گونه‌ای عمل کنیم تا دشمن از این سرمایه نفیس سوء استفاده نداشته باشد؛ یعنی به‌گونه‌ای عمل کنیم که عزاداری‌ها در راستای آرمان بلند سالار شهیدان <sup>علیه‌السلام</sup> باشد و این هدف از آسیب‌شناسی است. می‌دانید که یک کالا هر میزان نفیس باشد، خطر سرقت آن نیز بیشتر است. حقیقت این است که عزاداری سالار شهیدان <sup>علیه‌السلام</sup> سرمایه‌ای نفیس برای حفظ دین است. آن‌چنانکه از مصاحبه‌های برخی از دشمنان انقلاب و اسلام برمی‌آید، آنها در پی این هستند که عزاداری را از مسیر اصیل آن منحرف کنند تا این سرمایه را بی‌خاصیت کنند. آن‌چنان که طاغوت هم در همین صراط حرکت می‌کرد. ایران یک کشور شیعه است و مذهب رسمی آن نیز تشیع است و بیش از هشتاد درصد مردم آن، دارای مذهب شیعه جعفریه اثنی‌عشری هستند.

طاغوت زمان یعنی پسر رضاخان نمی‌توانست، با عزاداری مقابله کند؛ لذا خواستند تا این سرمایه را کم‌خاصیت کنند.

**بیان‌مطلب**

توضیح مطلب اینکه نهضت عاشورا را می‌توانیم به دوگونه مطرح کنیم: اول اینکه تنها سیر این واقعه مطرح بشود؛ یعنی اینکه چه زمانی سیدالشهدا <sup>علیه‌السلام</sup> از مدینه حرکت کردند، چند روز در مکه مکرمه حضور داشتند، چه زمانی از مکه مکرمه خارج شدند، چه حوادثی بین راه اتفاق افتاد و چه حوادثی در کربلا اتفاق افتاد. این، همان شیوه سیر ماجرای عاشوراست.

اما شیوه دوم که سیره عاشوراست، تحلیل سیر این واقعه است. روش قرآن در تحلیل زندگی نامه‌ها همین شیوه دوم است. «لقد كان في قصص عبدة»، عبدة از ریشه عبور است. به اشک چشم عبدة می‌گویند؛ چراکه در چشم می‌گردد. به عبارة نیز به این دلیل عبارة می‌گویند؛ چراکه محتوا از مسیر عبارة می‌گذرد. عبرة یعنی از گذشته عبور کردن و آینده را دیدن. این شیوه بیان قرآن کریم است. داستان بلعم با بلعام باعورا در سوره مبارکه اعراف مطرح شده و قرآن کریم در آخر می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ﴾ (یوسف،۱۱۱).

امام راحل عظیم‌الشان نیز بر این شیوه تأکید داشتند. همچنین مقام معظم رهبری نیز با مطرح کردن بحث عبرت‌های عاشورا، بر این شیوه تأکید دارند؛ چراکه این شیوه، مسیر را مشخص می‌کند. رژیم طاغوت به کتاب‌هایی که زندگی‌نامه بود، بلافاصله مجوز می‌داد؛ اما در مورد کتاب‌هایی که دارای تحلیل بود، این‌طور نبود. کتاب «درسی که حسین <sup>علیه‌السلام</sup> به انسان‌ها آموخت»، نوشته سیدعبیدالکریم هاشمی‌نژاد، کتابی در تحلیل واقعه عاشورا و به‌زبان فارسی که در سال ۱۳۴۷شمسی تألیف شده است، از این سنخ کتب بود. یا کتاب «حسین‌بن علی <sup>علیه‌السلام</sup> را بهتر بشناسیم» به‌قلم مرحوم آیت‌الله یزدی <sup>رحمته‌الله</sup> در آن ایام از کتب ممنوعه بود. همچنین رژیم طاغوت با سخنرانانی که به تحلیل نهضت عاشورا می‌پرداختند و از عزت و آزادگی می‌گفتند، برخورد می‌کردند. طاغوت احساس می‌کرد، نمی‌تواند تحمل کند تا‌سوعا و عاشورا از امام حسین <sup>علیه‌السلام</sup> بگوید. او از امام حسین <sup>علیه‌السلام</sup> می‌گفت؛ اما با جهت‌شناسی که خودشان می‌خواستند. آسیب‌شناسی این‌طور است که تلاش کنیم، سرمایه نفیس عاشورا، با شکوه و باشکوه‌تر بماند و در مسیر آرمان‌های سیدالشهدا <sup>علیه‌السلام</sup> نورافشانی کند.

■ **آسیب‌های عزاداری را می‌توان به سه دسته: آسیب‌های محتوایی، شکلی و انحراف از اهداف عاشورا تقسیم نمود. در خصوص هر یک از این انواع، نمونه‌ها و توضیحاتی ارائه نمایید.**

**آسیب محتوایی در عزاداری**

آسیب محتوایی همان انحراف در عزاداری است. در خصوص آسیب‌های محتوایی می‌توانیم به نسبت دادن ذلت به اهل‌بیت <sup>علیهم‌السلام</sup> اشاره کنیم؛ اما در این خصوص نکته‌ای پاریک‌تر از مو وجود دارد. به این معنی که بیان مظلومیت اهل‌بیت <sup>علیهم‌السلام</sup> ذلت نیست. بیان مظلومیت‌ها عزیز فاطمه <sup>علیه‌السلام</sup> را به اوج سویدای دل‌ها منتقل می‌کند. انسان‌ها با فطرت خود، از مظلوم حمایت می‌کنند؛ آن هم مظلومی مانند سیدالشهدا <sup>علیه‌السلام</sup>.

به‌تعبیر مرحوم شیخ جعفر شوشتری، حضرت علی اصغر <sup>علیه‌السلام</sup> در آخرین لحظات حیات در حال احتضار بود که سیدالشهدا <sup>علیه‌السلام</sup> او را به میدان برد و پاسخ ایشان را با تیر دادند. این بیان مظلومیت است. اینکه سیدالشهدا <sup>علیه‌السلام</sup> گفته باشد، خداوند این طفل را سیراب کنید، حضرت علی‌اصغر <sup>علیه‌السلام</sup> با نیمی از استکان آب سیراب می‌شد که انجام ندادند. بیان این مظلومیت ذلت نیست؛ اما اینکه اهل‌بیت <sup>علیهم‌السلام</sup> را که در نهایت عزّت بودند، ذلیل نشان بدهیم، یک آسیب محتوایی است.

در لُهوف سیدبن طاروس آمده است: «ثُمَّ انْفَلَتَ ابْنُ زِيَادٍ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ <sup>علیه‌السلام</sup> فَقَالَ: مَنْ هَذَا قَبِيلٍ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ <sup>علیه‌السلام</sup>؟ فَقَالَ الْقَيْسُ قَدْ قَتَلَ اللَّهُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ فَقَالَ: عَلِيٌّ <sup>علیه‌السلام</sup> ذَكَرَكَ لِي أَمْ يُقَالُ لَهُ عَلِيٌّ بْنِ الْحُسَيْنِ <sup>علیه‌السلام</sup> فَقَبْلَهُ النَّاسُ فَقَالَ بَلِ اللَّهُ قَتَلَهُ فَقَالَ: عَلِيٌّ <sup>علیه‌السلام</sup> اللَّهُ يَتَوَكَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَاللَّيْلَ لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَقَالَ ابْنُ زِيَادٍ أَلَيْكَ جِرَاءُ عَلَى جَوَابِي أَذْهَبُوا بِهَافِضِرُهَا عَنْقَهُ فَنَسِمَتْ بِهَ عَنْقَهُ زَنْبٌ <sup>علیه‌السلام</sup> فَقَالَتْ: يَا ابْنَ زِيَادٍ! إِنَّكَ لَمْ تَبْقِ مِنَّا أَحَدًا فَإِنَّ كُنْتَ عَزَمْتَ عَلَى قَبِيلِهِ فَأَقْبَلْنِي مَعَهُ».

عبيدالله او به امام سجاد <sup>علیه‌السلام</sup> کرد و گفت: «اسم تو چیست؟» حضرت فرمودند: «علی‌بن الحسین». او گفت: «مگر خداوند، علی را نکشت؟» حضرت فرمودند: «برادری داشتم به‌نام علی‌بن حسین که مردم او را کشتند». ابن‌زیاد گفت: «بلکه خداوند او را کشت». حضرت فرمودند:

«اللَّهُ يَتَوَكَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَاللَّيْلَ لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا»؛ خداست که در هنگام مرگ، جان‌ها را می‌گیرد و آن کسی که در هنگام خواب مرگش فرا نرسیده نیز، روحش را می‌گیرد. عبيدالله ناراحت شد و گفت: «هنوز شما بنی‌هاشم جرأت دارید، با من حرف می‌زنید؟» بعد دستور داد: «او را برپید و گردش را برزنید». حضرت زینب <sup>علیه‌السلام</sup> وقتی این جمله را از عبيدالله شنیدند، فرمودند: «ای ابن‌زیاد! اگر تصمیم به قتل او داری، مرا نیز به قتل برسان».

امام سجاد <sup>علیه‌السلام</sup> به عمه جانشان فرمودند: «فَقَالَ عَلِيٌّ <sup>علیه‌السلام</sup> لِعَقِيَّتِهِ اشْكُنِي يَا عَمَّةَ حَتَّى أَكَلِمَهُ» خواهش می‌کنم ادامه ندهید. بعد رو کردند به ابن‌زیاد و فرمودند: «ثُمَّ أَقْبَلَ فَقَالَ: أَمْ بِالْقَتْلِ تَهْزِئُنِي يَا ابْنَ زِيَادٍ! أَمْ تَعْلِمُتَ أَنَّ الْقَتْلَ لَنَا عَادَةً وَ كِرَامَتَنَا الشَّهَادَةُ»؛ آیا مرا با کشتن تهدید می‌کنی؟ نمی‌دانی که کشته شدن در راه خدا عادت ماست و ما به شهادت افتخار می‌کنیم؟ این سیمای عاشوراست. ذلت‌پذیری سیمای عاشورا نیست و اگر در سخنرانی و در مداحی وجود داشته باشد، آسیب است و باید در برابر این آسیب ایستاد. اما باز هم بر نکته اول تأکید دارم که بیان مظلومیت اهل‌بیت <sup>علیهم‌السلام</sup> ذلت نیست.

**آسیب‌های شکلی عزای حسینی**

اما آسیب شکلی هم وجود دارد. مانند استفاده از ملودی‌های نامناسب، همچنین استفاده از اشعار غیرفاخر و دیگر انواع آن. در خصوص آسیب‌های شکلی در ابتدا باید خدا را شاکر باشیم که شاهد کاهش آسیب‌های شکلی هستیم. در یکی از اجلاس خبرگان رهبری، هیئت‌رئیس به بنده مأموریت دادند که در خصوص این آسیب‌ها صحبت کنم. سخنرانی بنده نزدیک به چهل صفحه بود و چون می‌دانستم، این سخنرانی داری پیامدهای است. من‌تر از خدمت برخی از مراجع قرانت کردم، نظیر مرحوم آیت‌الله‌العظمی شیخ جواد تبریزی و مرحوم آیت‌الله‌العظمی فاضل که ایشان فرمودند: بیشتر از این باید بگویید و همچنین برخی مراجع دیگر. آن زمان بازار ملودی ترانه‌های لس‌آنجلسی در نوحه‌خوانی‌ها گرم بود؛ درحالی‌که در شأن عزاداری نیست که از ملودی بیگانه استفاده شود. حتی به ما گفته‌اند، قرآن را به لحن اهل فسوق نخوانید. به‌فصل خداوند این نوع آسیب، بسیار کاهش پیدا کرده است. در سالیان اخیر شاهد بوده‌ام که سینه‌زنی‌ها همراه با ملودی‌های داخلی و بومی است. همچنین محتوای عزاداری‌ها امروزه بسیار فاخر هستند؛ بنابراین مداحان عزیز که هنرمندان آئینی هستند، مراقبت کنند که هم در محتوا و هم در شکل به‌گونه‌ای کار کنند که در شأن عزاداری باشد.

ادامه در صفحه بعد